

آن سوی دیوار بزرگ

برگردان: ف. م. هاشمی

از: Finance and development

بحثی درباره‌ی ادغام چین در اقتصاد جهانی

پس از یک دوره‌ی طولانی انزوا، حضور چین در سیستم تجارت جهانی طی دو دهه‌ی اخیر، افزایش چشم‌گیر یافت و سهم این کشور از تجارت جهانی، از یک درصد در سال ۱۹۷۹ به ۵/۵ درصد در سال ۲۰۰۳ رسید. این رشد حیرت‌انگیز (بیش از ۵ برابر) طی دوره‌ای به نسبت کوتاه حاصل شد، پرسش‌ها و نگرانی‌هایی را درباره‌ی عملکرد تجاری این کشور در جهان برانگیخته است. آن چه به‌ویژه موجب نگرانی برخی کشورهای صنعتی در حال توسعه شده، حجم روزافزون صادرات چین است که رفته‌رفته تمامی بازارهای محلی را اشغال، صادرات دیگر کشورها را از میدان به‌در می‌کند و موجب بروز بیکاری گسترده در این کشورها می‌شود.

اما، صرف‌نظر از عبارت‌پردازی‌های ژورنالیستی، نگارندگان این مقاله سعی دارند نقش چین در تجارت امروز جهان را از زاویه‌ای وسیع‌تر مورد بررسی قرار دهند. پرسش محوری این است که چه عواملی موجب رشد پایدار صادرات چین شده است؟ الگوی تجاری چین در سالیان اخیر چه تغییراتی را پذیرفته است؟ آیا هنوز افزایش باز هم بیش‌تر صادرات چین در آینده پیش می‌آید؟ و اگر پاسخ مثبت است، این روند چه تاثیری بر شرکای عمده‌ی تجاری چین باقی می‌گذارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها برای آینده‌ی سیستم تجاری جهان، به‌ویژه برای کشورهای آسیایی اهمیت دارد.

از دوران بازگشایی اقتصاد چین در سال ۱۹۷۹ تاکنون، تجارت خارجی این کشور روند یکنواخت صعودی را طی کرده است (نمودار یک). این روند در دهه‌ی ۱۹۸۰ از

نمودار ۱: رشد انفجاری تجارت خارجی چین

آهنگی کند برخوردار بود زیرا در این دهه هنوز برخی موانع و مقررات پیچیده و بازدارنده در زمینه‌ی صادرات و واردات این کشور باقی بود و همچنان اعمال می‌شد. اما در دهه‌ی ۱۹۹۰ تجارت خارجی چین، در پی یک سلسله اصلاحات با رشدی انفجاری روبه‌رو شد. حذف چشم‌گیر تعرفه‌ها و فعالیت بیشتر چین در سازمان تجارت جهانی (WTO)، از جمله عواملی بود که این رشد را موجب شد. میانگین سطح تعرفه‌ها از ۴۰ درصد در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به ۱۲ درصد در سال ۲۰۰۲ کاهش یافت و قرار است به‌زودی به سطح ۱۰ درصد برسد. تنها در سال ۲۰۰۲ بر صادرات و واردات چین ۲۱ درصد افزود شد (و این رقم، بیش‌تر از رقم مشابه برای کشورهای صنعتی جهان بود). این موفقیت در شرایطی به‌دست آمد که یک رکود نسبی بر تجارت جهانی حاکم بود. رشد انفجاری تجارت خارجی چین در سال ۲۰۰۳ سرعتی بیش‌تر گرفت. در این سال، صادرات چین ۳۰ درصد و واردات این کشور ۴۰ درصد افزایش یافت. کاهش ارزش دلار، توان رقابتی صادرات چین را دو برابر کرد اما باید توجه داشت که هزینه‌ی نازل نیروی کار در چین که از ناحیه‌ی خیل عظیم نیروی کار ساده و ماهر این کشور حمایت می‌شود، نقطه‌ی قوت اصلی در توان رقابتی چین، به‌ویژه در بازار آمریکا محسوب می‌شود. هزینه‌ی نازل نیروی کار در چین، همچنین سرمایه‌گذاران خارجی را به سرمایه‌گذاری مستقیم در این کشور تشویق و ترغیب می‌کند و این امر خود موجب

ارتقای سطح بهره‌وری نیروی کار در چین می‌شود. همین مزیت نسبی موجب شده است که حتی در مقاطعی که ارزش «رن‌مین‌بی» (Renminbi واحد پول چین) و دلار در برابر پول‌های عمده‌ی جهان دچار نوسان می‌شود، تغییر چندانی در توان رقابتی چین به‌وجود نیاید.

بر اهمیت تجارت خارجی چین در سال‌های اخیر پیوسته افزوده شده است به‌نحوی که مجموع صادرات و واردات چین - عاملی که به‌طور سنتی برای سنجش وضعیت اقتصادی یک کشور به‌کار می‌رود - در حال حاضر به‌بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بالغ شده است. در حالی‌که این رقم در سال ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹ به‌ترتیب ۱۰ و ۲۰ درصد بود؛ نگاه به‌خارج اقتصاد چین، در کنار جذب سرمایه‌ی مستقیم خارجی به‌وسیله‌ی این کشور، نشانگر سرعت چشم‌گیر ادغام چین در اقتصاد جهانی است.

پیامدهای داخلی

هم‌پیوندی فزاینده با سیستم تجارت جهانی، به‌تداوم رشد اقتصادی پایدار در چین کمک کرده و بهبود مستمر بهره‌وری اقتصادی این کشور را موجب شده است. پای‌بندی چین به‌ضوابط سازمان تجارت جهانی، پیش‌بینی عملکرد اقتصادی این کشور را امکان‌پذیر ساخته و شفافیت و رقابت‌پذیری را در اقتصاد چین تقویت کرده است. پایگاه صادراتی چین در دهه‌ی ۱۹۸۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ در مناطق ویژه‌ی تجاری این کشور واقع در سواحل شرقی پیرامون هنگ‌کنگ متمرکز شده بود. اما، در اصلاحات اخیر، به‌جای تاکید بر این مناطق معاف از مالیات، بر آزادسازی تجاری از طریق کاهش گسترده‌ی تعرفه‌ها و مشارکت دادن مناطق مرکزی کشور در طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی، تاکید شده است.

اما، هنوز تمامی مناطق کشور به‌یک اندازه از مزایای تجارت خارجی رو به‌گسترش چین بهره‌مند نشده‌اند. برای نمونه مناطق ساحلی مانند دلتای رودخانه‌ی «پرل» (Pearl River)، ایالت «گواندونگ» و مناطق واقع در حوزه‌ی رودخانه‌ی «یانگ‌تسه» و مناطق پیرامونی شانگهای بیش‌ترین سود را از سیاست‌های صادراتی چین می‌برند. البته، بخشی از این تفاوت، به‌علت مزایای منطقه‌ای و جغرافیایی و نیز موقعیت ویژه و مساعدی است که برخی مناطق کشور برای توسعه‌ی صادرات دارند، که انتظار می‌رود

همچنان ادامه پیدا کند و تشدید رقابت در بخش حمل و نقل و خدمات وابسته به آن، که خود ناشی از رشد حیرت‌انگیز صادرات چین است، به کاهش چشم‌گیر هزینه‌ها در این بخش منجر خواهد شد. این امر، دسترسی به مناطق روستایی را آسان و به هم‌پیوندی اقتصادی بیش‌تر مناطق مرکزی چین کمک می‌کند.

به نظر می‌رسد تفاوت فاحشی نیز از نظر بهره‌مندی از مزایای صادراتی چین، میان بخش‌های مختلف اقتصاد این کشور وجود داشته باشد. این تفاوت، با بازگشایی بیش‌تر اقتصاد چین بر روی واردات، تشدید می‌شود. به‌عنوان مثال، بخشی کشاورزی چین، به‌احتمالی از محل واردات فرآورده‌های ارزان‌قیمت کشاورزی متضرر خواهد شد و این امر به شکاف درآمدها در جامعه‌ی چین دامن خواهد زد اما، در عین حال، ممکن است سیاست تسهیل مهاجرت نیروی کار و آزادی بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی بتواند تا حدودی از پیامدهای بد فوق بکاهد.

با وجود این نگرانی‌ها، به نظر می‌رسد مردم عادی چین، از اصلاحات جاری در این کشور و گشودن در اقتصاد بر روی جهان خاج منتفع شده باشند. رشد سریع میانگین درآمد خانوارهای چینی، خود گواه این مدعاست.

اگرچه رشد تجارت در چین، طی دو دهه‌ی اخیر شگفت‌انگیز بوده اما، باید توجه داشت که این رشد به‌لحاظ تاریخی به‌هیچ‌وجه منحصر به فرد نبوده است. با در نظر گرفتن برخی شاخص‌ها، مشخص می‌شود که تجربه‌ی چین، شباهت بسیار به تجربه‌ی کره و ژاپن در زمینه‌ی صنعتی شدن و هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی دارد. دسترسی چین به منبع بی‌پایان نیروی کار ارزان و نیز منابع طبیعی سرشار، این نوید را می‌دهد که بر نقش چین در سیستم تجارت جهانی طی سال‌های آینده، پیوسته افزوده شود.

به سوی تکنولوژی پیشرفته

آیا سیاست سنتی چین مبنی بر تولید و صادرات انبوه کالاهای صنعتی با کیفیت نازل، ادامه خواهد یافت؟ در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، صادرات چین بر روی پوشاک، کفش، اسباب‌بازی و دیگر فرآورده‌های صنعتی سبک متمرکز شده بود. اما، از این زمان به بعد، سهم چین در صادرات جهانی تمامی اقلام، به‌ویژه ماشین‌آلات و تجهیزات مخابراتی (و الکترونیکی) افزایش چشم‌گیر یافت. به تازگی چین به موفقیت‌های بزرگی در زمینه‌ی

نمودار ۲- نفوذ چین در بازارهای کشورهای صنعتی

صدور فرآورده‌های پیچیده‌ی فنی (مانند تجهیزات پیچیده‌ی پردازش اطلاعات) نایل شده است. صدور تجهیزات الکترونیکی، در حال حاضر بالغ بر ۲۵ درصد از کل صادرات چین را شامل می‌شود. این تنوع صادراتی موجب شده است که سهم چین از بازار آمریکا از ۵ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش پیدا کند.

اما، توسعه‌ی سریع صادرات چین، تنها یک روی سکه است. توسعه‌ی صادرات با توسعه‌ی سریع‌تر واردات، به‌ویژه واردات کالاهای نیم‌ساخته‌ای همراه بوده است که پس از پردازش مجدد صادر می‌شوند. در حال حاضر، بازارهای آسیا، انباشته از اقلام چینی است. به‌عنوان مثال، چین برای افزایش صادرات وسایل الکترونیکی خود، به واردات گسترده‌ی قطعات این تجهیزات از خارج دست زده است. در واقع، چین برخلاف دیگر کشورهای صنعتی که در مراحل اولیه‌ی توسعه‌ی خود در تولید و صدور و طیف کوچکی از اقلام تخصص پیدا می‌کردند، تولید و صدور طیف گسترده‌ای از اقلام را مدنظر قرار داده و به کمک این «تخصصی شدن عمودی» توانسته است بازارهای منطقه و آسیا را قبضه کند. در حال حاضر، نقش چین در مراحل پایانی مونتاژ طیف گسترده‌ای از اقلام صادراتی، تعیین‌کننده و ممتاز است.

عضویت چین در سازمان تجارت جهانی به این معنا خواهد بود که تولیدات ارزان چین به جای این که از طریق کشور ثالث (هنگ‌کنگ، تایوان و...) راهی بازارهای آمریکا و

نمودار ۳- موازنه‌ی تجاری چین با آمریکا، اروپا، آسیا

اروپا شود، به‌طور مستقیم و البته ارزان‌تر از گذشته، به‌این بازارها راهی شود. طی دو دهه‌ی اخیر، بر حجم واردات چین از کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی نیز، به‌سرعت افزوده شده است. این افزایش، به‌ویژه از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ سرعت بیش‌تری به‌خود گرفت. ژاپن، ایالت‌های متحد و اتحادیه‌ی اروپایی، به‌ترتیب بیش‌ترین سهم را در واردات چین به‌خود اختصاص می‌دهند. اکنون، ۱۱ درصد صادرات ژاپن راهی چین می‌شود در حالی‌که این رقم در سال ۱۹۹۰ تنها ۲ درصد بود. این رقم برای صادرات آمریکا و اروپا به‌چین، از یک به ۳ درصد رسیده است. بنابراین، چین در کنار نفوذ گسترده در بازار کشورهای پیشرفته، خود رفته‌رفته به‌بازاری پررونق برای فرآورده‌های این کشورها تبدیل می‌شود.

تغییرات به‌وجودآمده در برنامه‌های تجاری چین، در تراز تجاری دو‌جانبه‌ی این کشور با برخی از شرکای تجاری عمده نیز منعکس می‌شود. (نمودار ۳). در کنار نقش برجسته‌ای که چین در زنجیره‌ی تولید آسیا ایفا می‌کند، صادرات این کشور به‌ایالت‌های متحد نیز از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به‌سرعت رو به‌افزایش گذاشت. این در حالی است که سهم رقیبان آسیایی چین در بازار آمریکا طی این سال‌ها یا ثابت مانده و یا به‌رو به‌کاهش گذاشته است.

به‌این ترتیب، مزاد تجاری چین با آمریکا پیوسته در حال افزایش است. در عین حال،

کسری تجاری چین با اقتصادهای نوظهور آسیایی نیز به سرعت رو به افزایش است. بنابراین، مشاهده می‌شود که پس از یک دوره افزایش بسیار سریع مازاد تجاری چین با جهان خارج طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۷، تراز تجاری این کشور اکنون به نسبت ثابت مانده و بین ۳۵-۴۵ میلیارد دلار مازاد، نوسان می‌کند. انتظار می‌رود با گسترش روزافزون واردات چین، مازاد تجاری این کشور در سال‌های آینده به حدود ۲۰ میلیارد دلار کاهش پیدا کند.

شرکای تجاری

بررسی‌های انجام‌شده درباره‌ی پیامدهای عضویت چین در سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد که اصلاحات و تغییراتی که اقتصاد چین در پی عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌پذیرد، به نفع مصرف‌کنندگان داخلی و جهانی است. اقتصادهای نوظهور آسیایی نیز که بسیاری از فرآورده‌های نیم‌ساخته‌ی خود را به بازار چین صادر می‌کنند، از این امر منتفع خواهند شد. عضویت در سازمان تجارت جهانی، تعهداتی را نیز برای این کشور در زمینه‌ی بازگشایی بازار داخلی بر روی فرآورده‌های کشاورزی و خدمات مالی ایجاد می‌کند.

اما، از آنجایی که ارزش افزوده‌ی چین پیوسته در حال ترقی است، اقتصاد این کشور یک رقیب جدی برای قدرت‌های عمده‌ی تجاری دنیا محسوب می‌شود. کشورهایی که از مزیت نسبی تجاری ناشی از ارزانی نیروی کار و استفاده از صنایع کاربر سود می‌برند، از هم‌اکنون تغییراتی را در ساختار تجاری خویش برای افزایش توان رقابتی خود با چین به وجود آورده‌اند.

چین در سال‌های آینده به یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان کالاهای نیم‌ساخته و مواد اولیه تبدیل خواهد شد. علاوه بر واردات کالاهای نیم‌ساخته، انتظار می‌رود به موازات ارتقای سطح رفاه مردم، چین بر میزان واردات کالاهای ساخته‌شده‌ی خارج از کشور بیفزاید. برخی برآوردها نشان می‌دهد که در حال حاضر، نیمی از واردات چین در بازار داخلی این کشور مصرف شود. به این ترتیب، چین در سال‌های آینده به یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان فرآورده‌های صنعتی و کالاهای مصنوع جهان مبدل شود و به موازات تقویت نقش این کشور در اقتصاد جهانی، تداوم، ثبات و رشد اقتصادی آن، بیش از پی به‌عاملی مهم برای رشد و ثبات سیستم تجاری جهان تبدیل خواهد شد.